

فصل ۲:

مروری بر ادبیات تحقیق

فصل دوم؛ مروری بر ادبیات تحقیق

۲.۱. مقدمه

فصل دوم پایان نامه به تبیین مبانی نظری و بررسی پیشینه پژوهش در حوزه ادعا و دعاوی قراردادی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی اختصاص دارد. در هر پژوهش علمی، این فصل نقشی بنیادین در شکل‌دهی به چارچوب فکری مطالعه ایفا می‌کند، زیرا از یک سو مفاهیم اصلی و متغیرهای کلیدی پژوهش را روشن می‌سازد و از سوی دیگر، جایگاه تحقیق حاضر را در میان مطالعات پیشین مشخص می‌کند. در واقع، بدون اتکا به یک بنیان نظری منسجم و بدون شناخت دقیق دستاوردهای پژوهش‌های گذشته، امکان تحلیل علمی مسئله و ارائه چارچوبی قابل دفاع برای تبیین آن فراهم نخواهد شد. موضوع ادعا و دعوی در قراردادهای EPC طی سال‌های اخیر به یکی از مباحث مهم در مدیریت پروژه، مدیریت قرارداد و حقوق ساخت تبدیل شده است. دلیل این اهمیت آن است که قراردادهای EPC به سبب یکپارچه‌سازی طراحی، تدارکات و اجرا، از یک سو موجب تسهیل هماهنگی پروژه می‌شوند، اما از سوی دیگر، به علت پیچیدگی تعهدات، حجم بالای ریسک‌های قراردادی، وابستگی شدید مراحل مختلف کار به یکدیگر و حساسیت زیاد نسبت به زمان، هزینه و کیفیت، بستر مناسبی برای شکل‌گیری ادعاها و در ادامه دعاوی فراهم می‌آورند. هرگونه ابهام در دامنه کار، تغییر در مشخصات فنی، تأخیر در تحویل اطلاعات، اختلال در تأمین تجهیزات، تغییر شرایط اقتصادی، یا ضعف در نظام مستندسازی می‌تواند به طرح ادعا از سوی یکی از طرفین قرارداد منجر شود و در صورت نبود سازوکار مؤثر مدیریت ادعا، این فرایند به اختلاف و دعوی رسمی بینجامد. اهمیت این مسئله در پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی دوچندان می‌شود. در چنین پروژه‌هایی، قرارداد صرفاً ابزاری برای تنظیم رابطه اجرایی میان کارفرما و پیمانکار نیست، بلکه بخشی از یک ساختار مالی پیچیده به شمار می‌رود که در آن سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، بهره‌برداران و سایر ذی‌نفعان نیز منافع مستقیمی دارند. بنابراین، هر ادعا یا اختلاف قراردادی می‌تواند فراتر از آثار اجرایی، بر جریان نقدی پروژه، بازده سرمایه‌گذاری، زمان شروع بهره‌برداری و حتی امکان بازپرداخت تعهدات مالی اثر بگذارد. به همین دلیل، شناخت دقیق عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا و دعاوی در این دسته از پروژه‌ها، نه تنها از منظر حقوقی و قراردادی، بلکه از منظر مدیریتی، اقتصادی و راهبردی نیز ضروری است.

در سطح جغرافیایی نیز ایران و کشورهای خاورمیانه بستر ویژه‌ای برای مطالعه این مسئله فراهم می‌کنند. در این منطقه، پروژه‌های بزرگ عمرانی، صنعتی و زیرساختی غالباً در محیطی اجرا می‌شوند که از نظر حقوقی، مالی، قراردادی و اجرایی با ویژگی‌های خاصی همراه است. تنوع نظام‌های حقوقی، تفاوت در شیوه‌های تنظیم قرارداد، نوسانات اقتصادی، ریسک‌های تأمین، و حساسیت سرمایه‌گذاری خصوصی نسبت به ثبات اجرایی و قراردادی، سبب می‌شود که مطالعه ادعا و دعوی در این بستر، از اهمیت مضاعفی برخوردار باشد. با وجود این، بخش مهمی از پژوهش‌های موجود یا بر پروژه‌های دولتی متمرکز بوده‌اند، یا صرفاً به یکی از ابعاد حقوقی، مالی یا اجرایی پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت تلفیقی و با تکیه بر تحلیل اسنادی، به بررسی عوامل شکل‌دهنده ادعا

و دعاوی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی در ایران و خاورمیانه پرداخته است. بر این اساس، فصل دوم حاضر می‌کوشد با ارائه تصویری منسجم از مبانی نظری و پیشینه پژوهش، نخست مفاهیم و اصطلاحات کلیدی مرتبط با قراردادهای EPC، ادعا، دعوی، مدیریت ادعا و تأمین مالی بخش خصوصی را تبیین کند؛ سپس مهم‌ترین دیدگاه‌ها، رویکردها و مدل‌های نظری مرتبط با علل بروز ادعا و اختلاف در پروژه‌ها را بررسی نماید؛ و در ادامه، یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی جدید را با تأکید بر بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ مرور و تحلیل کند. در پایان این فصل نیز تلاش خواهد شد تا با جمع‌بندی انتقادی ادبیات موجود، خلأهای دانشی و پژوهشی تبیین شده و جایگاه پژوهش حاضر در پاسخ به این خلأها مشخص شود.

به‌طور کلی، فصل دوم نه‌فقط مروری بر آثار پیشین، بلکه بستری تحلیلی برای شکل‌گیری منطق نظری پژوهش است. این فصل نشان خواهد داد که ادعا و دعوی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی، پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل قراردادی، مدیریتی، مالی، حقوقی و محیطی است؛ عواملی که تنها از طریق مطالعه منسجم ادبیات و اسناد موجود می‌توان آن‌ها را شناسایی، طبقه‌بندی و در قالب یک چارچوب مفهومی تبیین کرد.

۲.۲. مفاهیم و کلیات

در پژوهش‌های علمی، تبیین دقیق مفاهیم و اصطلاحات کلیدی از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا این مفاهیم چارچوب نظری پژوهش را شکل می‌دهند و مبنای تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌ها قرار می‌گیرند. در حوزه مدیریت پروژه و قراردادهای ساخت، مفاهیمی نظیر پروژه، مدیریت پروژه، قراردادهای EPC، ادعا (Claim)، دعوی (Dispute)، مدیریت ادعا و تأمین مالی پروژه از جمله مفاهیم بنیادینی هستند که بدون درک دقیق آن‌ها امکان تحلیل علمی اختلافات قراردادی در پروژه‌های عمرانی و صنعتی وجود ندارد. از آنجا که پژوهش حاضر به تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی در ایران و خاورمیانه می‌پردازد، لازم است این مفاهیم در چارچوب ادبیات علمی مدیریت پروژه و حقوق ساخت مورد بررسی قرار گیرند.

۲.۲.۱ پروژه و مدیریت پروژه

پروژه در ادبیات مدیریت به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های موقت و منحصر به فرد تعریف می‌شود که با هدف تولید یک محصول، خدمت یا نتیجه مشخص اجرا می‌شود. بر اساس تعریف ارائه شده در استاندارد مدیریت پروژه مؤسسه مدیریت پروژه^۱ (PMI)، پروژه تلاشی موقتی است که برای ایجاد یک محصول، خدمت یا نتیجه یکتا انجام می‌شود (Project Management Institute, 2021). ویژگی موقتی بودن پروژه به این معناست که پروژه دارای آغاز و پایان مشخص است، در حالی که یکتایی آن به تفاوت خروجی پروژه با سایر فعالیت‌های مشابه اشاره دارد.

مدیریت پروژه نیز به عنوان کاربرد دانش، مهارت‌ها، ابزارها و تکنیک‌ها برای فعالیت‌های پروژه با هدف تحقق الزامات آن تعریف می‌شود. مدیریت پروژه شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل منابع برای دستیابی به اهداف مشخص پروژه از نظر زمان، هزینه، کیفیت و دامنه کار است (Kerzner, 2022). در پروژه‌های بزرگ عمرانی و صنعتی، مدیریت پروژه نقش کلیدی در هماهنگی فعالیت‌های مختلف، مدیریت ریسک‌ها، کنترل زمان‌بندی و جلوگیری از بروز اختلافات قراردادی ایفا می‌کند.

در دهه‌های اخیر، با افزایش پیچیدگی پروژه‌های زیرساختی و صنعتی، اهمیت مدیریت حرفه‌ای پروژه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. پروژه‌هایی مانند نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال انرژی و زیرساخت‌های

حمل و نقل به دلیل مقیاس بزرگ، فناوری پیچیده و تعداد زیاد ذی‌نفعان نیازمند ساختارهای مدیریتی پیشرفته هستند. در چنین پروژه‌هایی، ضعف در برنامه‌ریزی یا مدیریت قرارداد می‌تواند منجر به تأخیرهای طولانی، افزایش هزینه و در نهایت بروز ادعاها و اختلافات قراردادی شود (Weaver, 2014 & Too).

از منظر حقوق ساخت، مدیریت پروژه علاوه بر ابعاد فنی و مدیریتی، دارای ابعاد قراردادی نیز هست. هر پروژه بر اساس مجموعه‌ای از قراردادها میان کارفرما، پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان اجرا می‌شود و نحوه تنظیم و مدیریت این قراردادها تأثیر مستقیمی بر موفقیت پروژه دارد. به همین دلیل، در بسیاری از مطالعات جدید مدیریت پروژه، توجه ویژه‌ای به مدیریت قرارداد و مدیریت ادعا شده است (Love et al., 2016).

۲.۲.۲ قراردادهای EPC

یکی از مهم‌ترین الگوهای قراردادی در اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی و زیرساختی، قراردادهای مهندسی، تأمین تجهیزات و ساخت یا EPC² است. در این نوع قرارداد، مسئولیت طراحی، تأمین تجهیزات و اجرای پروژه به صورت یکپارچه به پیمانکار واگذار می‌شود و پیمانکار متعهد می‌شود پروژه را در چارچوب زمان و هزینه مشخص به کارفرما تحویل دهد (FIDIC, 2017).

قراردادهای EPC معمولاً به عنوان قراردادهای «کلید در دست» شناخته می‌شوند، زیرا پیمانکار مسئولیت کامل تحویل پروژه آماده بهره‌برداری را بر عهده دارد. در این نوع قرارداد، کارفرما بیشتر نقش نظارتی و مدیریتی دارد و بخش عمده فعالیت‌های اجرایی توسط پیمانکار انجام می‌شود. این ساختار موجب می‌شود هماهنگی میان مراحل طراحی، تأمین تجهیزات و اجرا به شکل مؤثرتری انجام شود و زمان اجرای پروژه کاهش یابد (Merrow, 2011).

یکی از ویژگی‌های مهم قراردادهای EPC، انتقال بخش قابل توجهی از ریسک پروژه به پیمانکار است. در این قراردادها، پیمانکار مسئولیت طراحی، هماهنگی تأمین‌کنندگان، کنترل زمان‌بندی پروژه و تحقق عملکرد فنی پروژه را بر عهده دارد. در نتیجه، بسیاری از ریسک‌های مرتبط با تأخیر زمانی، افزایش هزینه یا مشکلات فنی به پیمانکار منتقل می‌شود (Murdoch, 2015 & Hughes, Champion).

² Engineering, Procurement and Construction

در پروژه‌های بزرگ بین‌المللی، چارچوب قراردادی EPC اغلب بر اساس شرایط عمومی قراردادهای فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور (FIDIC) تنظیم می‌شود. کتاب نقره‌ای فیدیک (Silver Book) که به طور خاص برای قراردادهای EPC و Turnkey طراحی شده است، یکی از مهم‌ترین اسناد قراردادی در پروژه‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. این قرارداد سازوکارهای مشخصی برای مدیریت تغییرات، طرح ادعا و حل اختلاف پیش‌بینی کرده است (FIDIC, 2017).

در ایران نیز قراردادهای EPC به طور گسترده در پروژه‌های نفت و گاز، پتروشیمی، نیروگاه‌ها و زیرساخت‌های صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از پروژه‌های بزرگ صنعتی کشور در قالب این نوع قرارداد اجرا شده‌اند، زیرا این مدل قراردادی امکان اجرای سریع‌تر پروژه و کاهش پیچیدگی مدیریتی را فراهم می‌کند (گلابچی، ۱۳۹۴).

۲.۲.۳ ادعا^۳ در پروژه‌های ساختمانی

ادعا در قراردادهای پروژه به درخواست رسمی یکی از طرفین قرارداد برای دریافت زمان اضافی، هزینه اضافی یا سایر حقوق قراردادی اطلاق می‌شود که به دلیل وقوع یک رویداد خاص در پروژه مطرح می‌شود. بر اساس تعریف ارائه شده در ادبیات مدیریت پروژه، ادعا درخواست پیمانکار یا کارفرما برای جبران خسارت ناشی از تغییرات، تأخیرها یا سایر شرایط پیش‌بینی نشده در اجرای پروژه است (McCaffer, 2013 & Harris).

در پروژه‌های ساختمانی و صنعتی، ادعاها معمولاً در نتیجه عواملی مانند تغییر در دامنه کار، تأخیر در تحویل اطلاعات طراحی، تغییرات کارفرما، شرایط پیش‌بینی نشده سایت، نوسانات اقتصادی یا مشکلات تأمین تجهیزات مطرح می‌شوند. این عوامل می‌توانند موجب افزایش هزینه یا طولانی شدن زمان اجرای پروژه شوند و در نتیجه یکی از طرفین قرارداد برای جبران این آثار اقدام به طرح ادعا کند (Zack, 2015).

³ Claim

ادعاها را می‌توان از نظر ماهیت به انواع مختلفی تقسیم کرد. یکی از رایج‌ترین دسته‌بندی‌ها شامل ادعاهای زمانی، ادعاهای هزینه‌ای و ادعاهای مربوط به تغییرات قراردادی است. ادعاهای زمانی معمولاً در ارتباط با درخواست تمدید مدت پروژه مطرح می‌شوند، در حالی که ادعاهای هزینه‌ای مربوط به درخواست پرداخت هزینه‌های اضافی ناشی از تغییر شرایط پروژه هستند (Jergeas, 1994 & Semple, Hartman).

در بسیاری از پروژه‌ها، ادعا بخشی طبیعی از فرآیند مدیریت قرارداد محسوب می‌شود و لزوماً به معنای بروز اختلاف نیست. در واقع، ادعا می‌تواند به عنوان سازوکاری برای تعدیل شرایط قرارداد در مواجهه با تغییرات پروژه در نظر گرفته شود. با این حال، اگر ادعاها به درستی بررسی و حل و فصل نشوند، ممکن است به اختلافات جدی میان طرفین قرارداد منجر شوند (Love et al., 2016).

۲.۲.۴ دعوی^۴ در قراردادهای پروژه

دعوی یا اختلاف قراردادی زمانی شکل می‌گیرد که طرفین قرارداد درباره صحت یا میزان یک ادعا به توافق نرسند. به عبارت دیگر، دعوی مرحله‌ای است که در آن اختلاف میان طرفین قرارداد از سطح ادعا فراتر رفته و نیازمند رسیدگی رسمی از طریق سازوکارهای حل اختلاف مانند داوری، میانجیگری یا دادگاه می‌شود (Cheung & Yiu, 2006).

در پروژه‌های بزرگ عمرانی، دعاوی قراردادی معمولاً در نتیجه اختلاف نظر درباره مسئولیت تأخیرها، میزان هزینه‌های اضافی یا تفسیر مفاد قرارداد شکل می‌گیرند. این دعاوی می‌توانند پیامدهای جدی برای پروژه داشته باشند، از جمله افزایش هزینه‌های حقوقی، تأخیر در تکمیل پروژه و تضعیف روابط میان طرفین قرارداد (Hughes et al., 2015).

برای جلوگیری از تبدیل ادعاها به دعاوی رسمی، بسیاری از قراردادهای استاندارد بین‌المللی سازوکارهای مرحله‌ای حل اختلاف را پیش‌بینی کرده‌اند. برای مثال، در قراردادهای فیدیک، اختلافات ابتدا توسط مهندس پروژه بررسی

⁴ Dispute

می‌شوند و در صورت ادامه اختلاف، موضوع به هیئت حل اختلاف (Dispute Adjudication Board) و در نهایت به داوری ارجاع می‌شود (FIDIC, 2017).

۲.۲.۵ مدیریت ادعا^۵

مدیریت ادعا به مجموعه‌ای از فرآیندها و اقدامات سازمان‌یافته اطلاق می‌شود که با هدف شناسایی، ثبت، تحلیل و رسیدگی به ادعاهای قراردادی در پروژه انجام می‌شود. این فرآیند شامل جمع‌آوری مستندات، تحلیل آثار زمانی و مالی رویدادها، ارائه اظهارهای قراردادی و مذاکره برای حل و فصل ادعاها است (Zack, 2015).

در پروژه‌های پیچیده، وجود یک نظام مؤثر مدیریت ادعا می‌تواند از تبدیل اختلافات کوچک به دعاوی بزرگ جلوگیری کند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که پروژه‌هایی که دارای سیستم مستندسازی دقیق و فرآیندهای مشخص مدیریت ادعا هستند، کمتر با دعاوی طولانی و پرهزینه مواجه می‌شوند (Love et al., 2016).

مدیریت ادعا در قراردادهای EPC اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در این نوع قراردادها حجم ریسک‌های منتقل شده به پیمانکار زیاد است و هرگونه تغییر در شرایط پروژه می‌تواند پیامدهای مالی و زمانی قابل توجهی داشته باشد. به همین دلیل، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی فعال در پروژه‌های EPC واحدهای تخصصی مدیریت ادعا ایجاد کرده‌اند.

۲.۲.۶ تأمین مالی بخش خصوصی در پروژه‌ها

تأمین مالی پروژه^۶ یکی از روش‌های مهم تأمین منابع مالی برای پروژه‌های بزرگ زیرساختی است. در این روش، تأمین مالی پروژه بر اساس جریان‌های نقدی آینده پروژه انجام می‌شود و بازپرداخت سرمایه‌گذاران از محل درآمدهای پروژه صورت می‌گیرد (Yescombe, 2018).

در بسیاری از پروژه‌های زیرساختی، تأمین مالی از طریق مشارکت بخش خصوصی انجام می‌شود. مدل‌هایی مانند BOT، BOO و PPP از جمله ساختارهای رایج در این حوزه هستند. در این مدل‌ها، بخش خصوصی مسئولیت

⁵ Claim Management

⁶ Project Finance

تأمین مالی، طراحی، ساخت و بهره‌برداری پروژه را بر عهده می‌گیرد و در ازای آن از درآمدهای پروژه بهره‌مند می‌شود (Lewis, 2007 & Grimsey).

در چنین پروژه‌هایی، قرارداد EPC یکی از مهم‌ترین قراردادهای پروژه محسوب می‌شود، زیرا اجرای موفق پروژه و تحقق جریان‌های درآمدی آینده به کیفیت اجرای این قرارداد وابسته است. هرگونه تأخیر یا اختلاف در اجرای قرارداد EPC می‌تواند بر بازده سرمایه‌گذاری و توانایی پروژه در بازپرداخت تعهدات مالی تأثیر بگذارد.

۲.۳ ادعا و دعاوی در پروژه‌های EPC دارای تأمین مالی خصوصی

پدیده ادعا و دعاوی قراردادی در پروژه‌های EPC صرفاً یک مسئله اجرایی یا حقوقی ساده نیست، بلکه نتیجه تعامل پیچیده‌ای از ساختارهای قراردادی، تخصیص ریسک، رفتار سازمانی، عدم قطعیت محیطی، ساختارهای مالی و روابط نهادی است. بنابراین، برای تحلیل علمی این پدیده، باید آن را در چارچوب نظریه‌های اقتصاد قراردادهای مدیریت پروژه، نظریه‌های سازمانی و حکمرانی پروژه‌های زیرساختی بررسی کرد.

در این بخش، مهم‌ترین نظریه‌هایی که می‌توانند شکل‌گیری ادعا و تبدیل آن به دعوی را در پروژه‌های EPC دارای تأمین مالی خصوصی تبیین کنند، بررسی می‌شوند.

۲.۳.۱ نظریه تخصیص ریسک در قراردادها⁷

یکی از بنیادی‌ترین مبانی نظری در تحلیل قراردادهای EPC، نظریه تخصیص ریسک است. در ادبیات حقوق قراردادهای و اقتصاد مهندسی، اصل اساسی آن است که ریسک باید به طرفی واگذار شود که توانایی بیشتری برای مدیریت یا کنترل آن دارد (Yescombe, 2018).

در قراردادهای EPC، به ویژه در فرم‌های مبتنی بر FIDIC Silver Book، بخش عمده‌ای از ریسک‌های طراحی، اجرا، هماهنگی و حتی برخی ریسک‌های سایت به پیمانکار منتقل می‌شود (FIDIC, 2017). این انتقال گسترده ریسک در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی تشدید می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان مالی خواهان قطعیت بیشتر در هزینه و زمان پروژه هستند.

⁷ Risk Allocation Theory

با این حال، زمانی که تخصیص ریسک نامتوازن یا غیرواقع‌بینانه باشد، احتمال شکل‌گیری ادعا افزایش می‌یابد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که تخصیص نامناسب ریسک یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اختلافات در پروژه‌های ساخت است (Wang, 2007 & Zou, Zhang).

در پروژه‌های EPC خصوصی، ریسک‌هایی مانند:

- نوسانات ارزی
- تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی
- تغییر قوانین
- تأخیر در تأمین مالی
- شرایط پیش‌بینی نشده زمین

اگر بدون سازوکار جبرانی به پیمانکار منتقل شوند، زمینه طرح ادعاهای مالی و زمانی را فراهم می‌کنند.

بنابراین، بر اساس نظریه تخصیص ریسک، می‌توان گفت:

هرچه فاصله بین ریسک‌های قراردادی تخصیص یافته و توان واقعی مدیریت آن‌ها توسط طرف متعهد بیشتر باشد، احتمال شکل‌گیری Claim افزایش می‌یابد.

۲.۳.۲ نظریه اقتصاد هزینه مبادله^۸

نظریه اقتصاد هزینه مبادله که توسط ویلیامسون توسعه یافته، بیان می‌کند که قراردادها برای کاهش هزینه‌های ناشی از عدم اطمینان، فرصت‌طلبی و محدودیت عقلانیت تنظیم می‌شوند (Williamson, 1985).

⁸ Transaction Cost Theory

در پروژه‌های EPC، سه عامل کلیدی که در نظریه هزینه مبادله مطرح می‌شود، به شدت برجسته هستند:

۱. عدم قطعیت بالا

۲. پیچیدگی فنی

۳. ویژگی خاص دارایی‌ها^۹

پروژه‌های زیرساختی دارای دارایی‌های بسیار خاص هستند؛ به عنوان مثال طراحی یک نیروگاه خاص یا یک پالایشگاه متناسب با شرایط سایت، قابلیت استفاده در جای دیگر را ندارد. این ویژگی موجب وابستگی متقابل شدید میان کارفرما و پیمانکار می‌شود.

در چنین شرایطی، هرگونه ابهام قراردادی یا تغییر در شرایط پروژه می‌تواند منجر به رفتار فرصت طلبانه یکی از طرفین شود. این رفتار فرصت طلبانه، یکی از ریشه‌های اصلی شکل‌گیری دعاوی قراردادی است (Winch, 2010).

از منظر نظریه هزینه مبادله، ادعاها را می‌توان به عنوان ابزار بازتوزیع هزینه‌های پیش‌بینی نشده در شرایط عدم قطعیت تحلیل کرد.

در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، حساسیت سرمایه‌گذاران به افزایش هزینه‌ها و کاهش IRR موجب می‌شود واکنش‌ها نسبت به ادعاها شدیدتر باشد. بنابراین، هزینه‌های مبادله در این پروژه‌ها بالاتر بوده و احتمال تبدیل Claim به Dispute افزایش می‌یابد.

۲.۳.۳ نظریه اطلاعات نامتقارن^{۱۰}

یکی از نظریه‌های مهم در اقتصاد قراردادها، نظریه اطلاعات نامتقارن است. این نظریه بیان می‌کند که زمانی که یکی از طرفین قرارداد اطلاعات بیشتری نسبت به طرف دیگر داشته باشد، احتمال بروز رفتار استراتژیک و اختلاف افزایش می‌یابد (Akerlof, 1970).

^۹ Asset Specificity

^{۱۰} Information Asymmetry Theory

در پروژه‌های EPC، اطلاعات نامتقارن می‌تواند در موارد زیر رخ دهد:

- برآورد هزینه واقعی اجرای پروژه
- شرایط واقعی زمین
- توان فنی پیمانکار
- وضعیت نقدینگی کارفرما
- میزان پیشرفت واقعی کار

اگر پیمانکار اطلاعات دقیق‌تری درباره هزینه‌های واقعی داشته باشد، ممکن است در قیمت‌گذاری اولیه رفتار استراتژیک نشان دهد. از سوی دیگر، اگر کارفرما اطلاعات ناقص یا نادرستی درباره شرایط سایت ارائه دهد، زمینه طرح ادعاهای بعدی فراهم می‌شود.

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که شفافیت اطلاعاتی و مستندسازی دقیق پروژه، نقش مهمی در کاهش دعاوی قراردادی دارد (Love et al., 2016).

در پروژه‌های تأمین مالی خصوصی، بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز به عنوان ذی‌نفع وارد چرخه اطلاعات می‌شوند. هرگونه عدم شفافیت اطلاعاتی می‌تواند منجر به توقف پرداخت‌ها و در نتیجه طرح ادعا شود.

۲.۳.۴ نظریه پیچیدگی پروژه^{۱۱}

پروژه‌های EPC، به ویژه در حوزه نفت و گاز و نیروگاه‌ها، پروژه‌هایی با سطح پیچیدگی بسیار بالا هستند. نظریه پیچیدگی بیان می‌کند که هرچه تعداد عناصر، روابط متقابل و عدم قطعیت محیطی بیشتر باشد، احتمال انحراف از برنامه اولیه افزایش می‌یابد.

پیچیدگی در پروژه‌های EPC از چند بعد ناشی می‌شود:

¹¹ Project Complexity Theory

- پیچیدگی فنی
- پیچیدگی سازمانی (تعدد ذی‌نفعان)
- پیچیدگی قراردادی
- پیچیدگی محیطی (سیاسی و اقتصادی)

مطالعات جدید نشان داده‌اند که پیچیدگی پروژه رابطه مستقیم با افزایش ادعاهای قراردادی دارد.

در منطقه خاورمیانه، عوامل محیطی مانند تغییرات سیاسی، تحریم‌ها، تغییر نرخ ارز و مقررات داخلی، سطح پیچیدگی پروژه را افزایش داده و احتمال بروز ادعا را تشدید می‌کنند.

بنابراین، نظریه پیچیدگی یکی از چارچوب‌های کلیدی برای تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر خواهد بود.

(Hwang et al., 2020; Mahamid, 2021).

۲.۳.۵ نظریه حاکمیت قراردادها در پروژه‌های زیرساختی^{۱۲}

در پروژه‌های بزرگ زیرساختی، نحوه طراحی سازوکارهای حل اختلاف و مدیریت تغییر اهمیت زیادی دارد. نظریه حاکمیت قرارداد بیان می‌کند که قراردادها علاوه بر تخصیص ریسک، باید سازوکارهای نظارتی و حل اختلاف مؤثر داشته باشند (Winch, 2010).

در فرم‌های قراردادی فیدیک، ساختار چندمرحله‌ای حل اختلاف (مهندس، DAB، داور) پیش‌بینی شده است. این سازوکارها با هدف جلوگیری از تبدیل ادعا به دعوی رسمی طراحی شده‌اند (FIDIC, 2017).

در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، وجود هیئت حل اختلاف فعال و بی‌طرف می‌تواند نقش مهمی در حفظ ثبات مالی پروژه ایفا کند. فقدان چنین سازوکارهایی موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود.

¹² Contract Governance Theory

بر اساس چارچوب‌های نظری بررسی‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که ادعا و دعاوی در پروژه‌های EPC حاصل تعامل چند عامل کلیدی هستند:

- تخصیص نامتوازن ریسک
- هزینه‌های مبادله بالا
- اطلاعات نامتقارن
- پیچیدگی فنی و محیطی
- ضعف سازوکارهای حاکمیت قراردادی

در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، یک عامل مضاعف نیز وجود دارد:

فشار ساختار مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به زمان و هزینه

این ترکیب نظری، بنیان تحلیل اسنادی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد و در فصل چهارم مبنای استخراج چارچوب مفهومی نهایی قرار خواهد گرفت.

۲.۴ ابعاد و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های EPC

یکی از موضوعات اساسی در مطالعات مدیریت پروژه و حقوق ساخت، شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های ساختمانی و صنعتی است. در بسیاری از پروژه‌های بزرگ زیرساختی، ادعاها به دلیل تعامل پیچیده عوامل فنی، مدیریتی، قراردادی و محیطی شکل می‌گیرند. در پروژه‌های EPC این مسئله اهمیت بیشتری دارد، زیرا در این نوع قراردادها مسئولیت طراحی، تأمین تجهیزات و اجرای پروژه به صورت یکپارچه به پیمانکار واگذار می‌شود و در نتیجه هرگونه تغییر یا اختلال در هر یک از این مراحل می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر زمان و هزینه پروژه داشته باشد.

پژوهش‌های متعددی در ادبیات بین‌المللی مدیریت ساخت نشان داده‌اند که ادعاها معمولاً نتیجه مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با ساختار قرارداد، مدیریت پروژه، شرایط فنی پروژه و محیط اقتصادی و سیاسی هستند (Hughes et al., 2015; Love et al., 2016). از این رو، برای تحلیل دقیق ادعا در پروژه‌های EPC لازم است این عوامل در قالب ابعاد مختلف طبقه‌بندی شوند. بر اساس مطالعات انجام شده، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا را می‌توان در چند دسته اصلی شامل عوامل قراردادی، مدیریتی، فنی، مالی، محیطی و سازمانی تقسیم‌بندی کرد.

۲.۴.۱ عوامل قراردادی

ساختار و محتوای قرارداد یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های EPC است. قرارداد به عنوان چارچوب حقوقی اجرای پروژه، نحوه تخصیص ریسک‌ها، مسئولیت‌ها و تعهدات طرفین را مشخص می‌کند. هرگونه ابهام، نقص یا عدم توازن در مفاد قرارداد می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات و ادعاهای قراردادی شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل قراردادی مؤثر بر ادعا، ابهام در اسناد قراردادی است. در بسیاری از پروژه‌ها، اسناد طراحی، مشخصات فنی و شرایط قرارداد دارای ناهماهنگی یا ابهام هستند که این مسئله می‌تواند منجر به تفسیرهای متفاوت از تعهدات طرفین شود. مطالعات نشان داده‌اند که نقص در اسناد طراحی یکی از رایج‌ترین علل ادعا در پروژه‌های ساختمانی است.

عامل مهم دیگر، تخصیص نامناسب ریسک در قرارداد است. در بسیاری از قراردادهای EPC، بخش قابل توجهی از ریسک‌های پروژه به پیمانکار منتقل می‌شود. اگر این تخصیص ریسک با توان واقعی مدیریت ریسک توسط پیمانکار همخوانی نداشته باشد، احتمال طرح ادعا افزایش می‌یابد (Yescombe, 2018).

همچنین وجود مقررات سختگیرانه در خصوص اعلام ادعا (Time-Bar Clauses) می‌تواند نقش مهمی در فرآیند مدیریت ادعا داشته باشد. این مقررات پیمانکار را ملزم می‌کنند در مدت زمان مشخصی پس از وقوع رویداد، ادعای خود را اعلام کند. عدم رعایت این الزامات ممکن است منجر به از دست رفتن حق ادعا شود (FIDIC, 2017).

۲.۴.۲ عوامل مدیریتی

عوامل مدیریتی یکی دیگر از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های EPC هستند. ضعف در برنامه‌ریزی، هماهنگی و کنترل پروژه می‌تواند موجب بروز تأخیر، افزایش هزینه‌ها و در نهایت طرح ادعا توسط طرفین قرارداد شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل مدیریتی، ضعف در برنامه‌ریزی اولیه پروژه است. اگر برنامه زمان‌بندی پروژه به درستی تهیه نشود یا فرضیات غیرواقع‌بینانه در آن لحاظ شود، احتمال بروز تأخیر در اجرای پروژه افزایش می‌یابد. این تأخیرها اغلب به طرح ادعاهای زمانی و مالی منجر می‌شوند (Kerzner, 2022).

عامل دیگر، ضعف در مدیریت تغییرات پروژه است. در بسیاری از پروژه‌های EPC، تغییرات در طراحی یا دامنه کار اجتناب‌ناپذیر هستند. اگر فرآیند مشخصی برای مدیریت این تغییرات وجود نداشته باشد، ممکن است اختلافات جدی میان کارفرما و پیمانکار ایجاد شود.

علاوه بر این، نقص در سیستم مستندسازی پروژه نیز یکی از عوامل مهم بروز ادعا است. در فرآیند بررسی ادعاها، مستندات پروژه نقش تعیین‌کننده‌ای در اثبات ادعا دارند. در صورتی که اطلاعات مربوط به پیشرفت کار، مکاتبات، صورت‌جلسات و گزارش‌های فنی به درستی ثبت نشوند، فرآیند رسیدگی به ادعا با مشکلات جدی مواجه خواهد شد (Zack, 2015).

۲.۴.۳ عوامل فنی و اجرایی

روژه‌های EPC اغلب دارای سطح بالایی از پیچیدگی فنی هستند. این پیچیدگی می‌تواند ناشی از فناوری‌های پیشرفته، شرایط خاص سایت یا حجم بالای فعالیت‌های مهندسی باشد. عوامل فنی و اجرایی یکی از مهم‌ترین منابع بروز ادعا در چنین پروژه‌هایی محسوب می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین عوامل فنی، نقص یا تغییر در طراحی پروژه است. در پروژه‌های EPC، طراحی و اجرا معمولاً به صورت هم‌زمان انجام می‌شود. بنابراین هرگونه تغییر در طراحی می‌تواند موجب ایجاد تأخیر در اجرا و افزایش هزینه‌ها شود.

عامل دیگر، شرایط پیش‌بینی نشده سایت است. شرایط زمین، وضعیت ژئوتکنیکی، یا وجود موانع پیش‌بینی نشده می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر اجرای پروژه داشته باشند. در بسیاری از پروژه‌های ساختمانی، این شرایط یکی از مهم‌ترین دلایل طرح ادعاهای مالی و زمانی هستند (McCaffer, 2013 & Harris).

همچنین مشکلات تأمین تجهیزات و مواد نیز می‌تواند منجر به بروز ادعا شود. در پروژه‌های صنعتی، تأخیر در تحویل تجهیزات کلیدی یا مشکلات مربوط به کیفیت تجهیزات می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر برنامه زمان‌بندی پروژه داشته باشد.

۲.۴.۴ عوامل مالی

در پروژه‌های بزرگ زیرساختی، عوامل مالی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری ادعا دارند. این مسئله به ویژه در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا ساختار مالی پروژه به شدت به زمان‌بندی اجرای پروژه وابسته است.

یکی از مهم‌ترین عوامل مالی، تأخیر در پرداخت‌ها است. در بسیاری از پروژه‌ها، تأخیر در پرداخت صورت‌وضعیت‌ها می‌تواند موجب بروز مشکلات نقدینگی برای پیمانکار شود و در نهایت به طرح ادعاهای مالی منجر گردد (Yescombe, 2018). عامل دیگر، نوسانات اقتصادی است. تغییرات نرخ ارز، افزایش قیمت مصالح و تجهیزات، و تغییر شرایط بازار می‌توانند موجب افزایش هزینه‌های اجرای پروژه شوند. در چنین شرایطی، پیمانکاران ممکن است برای جبران این افزایش هزینه‌ها اقدام به طرح ادعا کنند. در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، تغییر در شرایط مالی پروژه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد. بنابراین، سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان مالی نسبت به تأخیرهای پروژه حساسیت بالایی دارند.

۲.۴.۵ عوامل محیطی و سیاسی

عوامل محیطی و سیاسی نیز می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های EPC داشته باشند. این عوامل به ویژه در پروژه‌های بین‌المللی و پروژه‌های منطقه خاورمیانه اهمیت بیشتری دارند.

برای مثال، تغییر قوانین و مقررات دولتی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر شرایط اجرای پروژه داشته باشد. همچنین تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری می‌توانند فرآیند تأمین تجهیزات و فناوری را با مشکلات جدی مواجه کنند. علاوه بر این، نوسانات سیاسی و اقتصادی نیز می‌توانند بر روند اجرای پروژه تأثیر بگذارند. در بسیاری از پروژه‌های زیرساختی منطقه خاورمیانه، تغییرات سیاسی یا اقتصادی موجب تأخیر در اجرای پروژه‌ها و در نتیجه طرح ادعاهای قراردادی شده است.

۲.۴.۶ عوامل سازمانی

در کنار عوامل فنی و قراردادی، عوامل سازمانی و ارتباطی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری ادعا دارند. پروژه‌های EPC معمولاً شامل تعداد زیادی از سازمان‌ها و ذی‌نفعان هستند، از جمله کارفرما، پیمانکار EPC، پیمانکاران جزء، مشاوران و تأمین‌کنندگان.

در چنین ساختار پیچیده‌ای، ضعف در ارتباطات و هماهنگی میان طرفین پروژه می‌تواند منجر به سوءتفاهم و اختلافات قراردادی شود. مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از دعاوی ساختمانی ناشی از مشکلات ارتباطی و سوءبرداشت از اطلاعات پروژه هستند (Yiu, 2006 & Cheung). همچنین تفاوت در فرهنگ سازمانی و شیوه‌های مدیریتی میان طرفین قرارداد می‌تواند موجب بروز اختلاف شود. این مسئله در پروژه‌های بین‌المللی که طرفین قرارداد از کشورهای مختلف هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که ادعا در پروژه‌های EPC معمولاً نتیجه تعامل چندین عامل مختلف است و به ندرت می‌توان آن را به یک عامل واحد نسبت داد. عوامل قراردادی، مدیریتی، فنی، مالی، محیطی و سازمانی همگی در شکل‌گیری ادعا نقش دارند و در بسیاری از موارد این عوامل به صورت هم‌زمان بر پروژه تأثیر می‌گذارند.

در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد با استفاده از روش تحلیل اسنادی، الگوهای مشترک در اسناد پروژه‌های EPC دارای تأمین مالی خصوصی در ایران و خاورمیانه شناسایی شده و ارتباط میان این عوامل مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این تحلیل می‌تواند مبنایی برای ارائه یک چارچوب مفهومی جهت مدیریت مؤثر ادعا در این نوع پروژه‌ها فراهم کند.

جدول (۱-۲) دسته‌بندی عوامل ادعا

ردیف	بعد اصلی	زیرعامل ها	پیامد محتمل
۱	قراردادی	ابهام مفاد، تخصیص نامتوازن ریسک، Time-bar	افزایش اختلاف تفسیری
۲	مدیریتی	ضعف برنامه‌ریزی، ضعف کنترل تغییرات، مستندسازی ناقص	تاخیر و ادعای زمانی
۳	فنی	تغییر طراحی، شرایط پیش‌بینی نشده، نقص تجهیزات	دوباره کاری افزایش هزینه
۴	مالی	تأخیر پرداخت، نوسانات ارز، افزایش قیمت	ادعای مالی و فشار نقدینگی
۵	محیطی/سیاسی	تحریم، تغییر قوانین، بی‌ثباتی سیاسی	اختلال تامین و تعلیق کار
۶	سازمانی/ارتباطی	ضعف ارتباطات، تعارض منافع، فرهنگ سازمانی متفاوت	تشدید دعوی و حل نشدن ادعا

جدول (۲-۲) تفکیک انواع ادعا در پروژه EPC

نوع ادعا	توضیح	منشا اصلی	نمونه پیامد
زمانی	درخواست تمدید مدت	تأخیرات، تغییرات، شرایط پیش‌بینی نشده	تأخیر در تحویل پروژه
مالی	درخواست جبران هزینه	افزایش قیمت، تغییر نرخ ارز، پرداخت دیر هنگام	افزایش هزینه نهایی
فنی	ناشی از نقض تغییر فنی	تغییر طراحی، خطای مهندسی	دوباره کاری
قراردادی	ناشی از تاثیر مفاد	ابهام بندها، مسئولیت‌های مبهم	اختلاف حقوقی
از ضروری	رویداد خارج از کنترل	جنگ، تحریم، بحران	تعلیق یا بازنگری قرارداد

ردیف	مرحله پروژه	عوامل غالب	نوع ادعای غالب
۱	پیش قرارداد	ابهام RFQ ، برآورد ناقص، تقسیم ریسک	ادعای قراردادی
۲	مهندسی و طراحی	تغییرات طراحی، خطاهای مهندسی	ادعای فنی/زمانی
۳	تامین تجهیزات	تأخیر تأمین، تحریم، تغییر قیمت	ادعای مالی/زمانی
۴	نصب و ساخت	شرایط سایت، دوباره کاری، کمبود منابع	ادعای هزینه ای/زمانی
۵	راه اندازی	عدم تحقق عملکرد، تست های ناموفق	ادعای فنی و عملکردی

جدول (۳-۲): ارتباط عوامل با مرحله بروز ادعا

۲.۵ پیشینه داخلی

در سال‌های اخیر با افزایش پیچیدگی پروژه‌های عمرانی و صنعتی در ایران و گسترش استفاده از قراردادهای EPC در پروژه‌های نفت، گاز، نیروگاهی و زیرساختی، موضوع ادعا و دعاوی قراردادی نیز مورد توجه پژوهشگران حوزه مدیریت ساخت و مدیریت پروژه قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات داخلی تلاش کرده‌اند عوامل ایجاد ادعا، نحوه مدیریت اختلافات قراردادی و نقش ساختارهای قراردادی در کاهش دعاوی را بررسی کنند. در ادامه مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر بررسی می‌شوند.

ابراهیمی و رضایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل بروز دعاوی در پروژه‌های عمرانی» به بررسی عوامل اختلافات قراردادی در پروژه‌های عمرانی کشور پرداختند. در این مطالعه از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای رتبه‌بندی عوامل استفاده شد. نتایج نشان داد که تأخیر در تصمیم‌گیری کارفرما، تغییرات دامنه کار و ضعف در مدیریت پیمانکار از مهم‌ترین عوامل ایجاد دعاوی هستند.

کاظمی و صادقی در سال (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل علل تأخیر و ادعا در پروژه‌های ساختمانی ایران» به بررسی رابطه میان تأخیر پروژه و ادعاهای قراردادی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تأخیر در تأمین منابع مالی و ضعف در برنامه‌ریزی زمانی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعاهای زمانی هستند.

همچنین گلابچی و محسنی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های ساختمانی ایران» به بررسی ریشه‌های اصلی شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های عمرانی کشور پرداختند. روش تحقیق این مطالعه مبتنی بر ترکیب تحلیل اسناد پروژه و پرسشنامه خبرگان صنعت ساخت بود. نتایج پژوهش نشان داد که تغییرات مکرر در طراحی، ضعف در اسناد مناقصه، تأخیر در پرداخت‌های کارفرما و ضعف مدیریت برنامه‌ریزی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های ساختمانی ایران هستند. نویسندگان نتیجه گرفتند که تقویت فرآیند مدیریت تغییر و بهبود کیفیت اسناد قراردادی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ادعاها داشته باشد.

و در ادامه نیز حیدری و کریمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر دعاوی قراردادی در پروژه‌های ساختمانی» به تحلیل اختلافات قراردادی در پروژه‌های عمرانی پرداختند. روش تحقیق این مطالعه مبتنی بر تحلیل آماری داده‌های پرسشنامه‌ای بود. نتایج نشان داد که ضعف در ارتباطات پروژه و عدم شفافیت در مفاد قرارداد از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلافات قراردادی هستند.

بهرامی و صادقی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مدیریت ریسک در پروژه‌های EPC ایران» به بررسی ریسک‌های اصلی این نوع پروژه‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که ریسک‌های مرتبط با طراحی، تأمین تجهیزات و تغییرات مقررات بیشترین تأثیر را بر بروز ادعا دارند.

در ادامه قاسمی و موسوی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل علل ادعا در قراردادهای EPC در صنعت نفت و گاز ایران» به بررسی ادعاهای قراردادی در پروژه‌های EPC صنعت نفت و گاز پرداختند. داده‌های پژوهش از طریق بررسی اسناد پروژه و مصاحبه با مدیران پروژه جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که تغییرات طراحی، مشکلات تأمین تجهیزات و نوسانات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های EPC هستند.

مرادی و اسدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ریسک در قراردادهای EPC به بررسی نحوه تخصیص ریسک در این نوع قراردادها پرداختند. نتایج نشان داد که انتقال بیش از حد ریسک به پیمانکار می‌تواند موجب افزایش ادعاهای قراردادی شود.

در پژوهشی احمدی و نادری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ادعا در پروژه‌های عمرانی ایران» به بررسی فرآیند مدیریت ادعا در پروژه‌های ساختمانی پرداختند. در این تحقیق چارچوبی برای شناسایی، مستندسازی و پیگیری ادعاها ارائه شد. نتایج پژوهش نشان داد که فقدان سیستم‌های مستندسازی مناسب در پروژه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تبدیل ادعا به دعاوی حقوقی است.

همچنین محمدی و یوسفی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت اختلافات در پروژه‌های EPC» به بررسی سازوکارهای حل اختلاف در این نوع قراردادها پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده از سازوکارهای حل اختلاف چندمرحله‌ای مانند مذاکره، داوری و هیئت حل اختلاف می‌تواند از طولانی شدن دعاوی جلوگیری کند.

سلطانی و رضوی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مدیریت تغییرات در پروژه‌های عمرانی و تأثیر آن بر ادعاهای قراردادی» به بررسی نقش مدیریت تغییرات در ایجاد ادعا پرداختند. نتایج نشان داد که عدم ثبت رسمی تغییرات و نبود فرآیند مشخص برای مدیریت تغییرات از عوامل مهم بروز ادعا هستند.

رضایی و طاهری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عوامل مالی مؤثر بر ادعاهای پروژه‌های عمرانی» به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر ادعاهای قراردادی پرداختند. نتایج نشان داد که نوسانات نرخ ارز، تورم و افزایش قیمت مصالح از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های ایران هستند.

نیکزاد و همکارانش در سال (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل ایجاد ادعا در قراردادهای EPC پروژه‌های نفت و گاز ایران» به بررسی عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های EPC پرداختند. در این مطالعه از روش تحلیل آماری داده‌های خبرگان صنعت نفت و گاز استفاده شد. نتایج نشان داد که تغییرات طراحی، تأخیر در تأمین تجهیزات و ضعف در مدیریت قرارداد مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های EPC هستند.

یعقوبی و زمانی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اختلافات قراردادی در پروژه‌های زیرساختی ایران» به بررسی پرونده‌های اختلافات قراردادی پرداختند. نتایج نشان داد که ضعف در مدیریت قرارداد و تفسیرهای متفاوت از مفاد قرارداد از مهم‌ترین عوامل بروز دعاوی هستند.

و همچنین جعفری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل اختلافات قراردادی در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی» به بررسی نقش ساختارهای مالی در شکل‌گیری اختلافات پروژه پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، تأخیر در پروژه می‌تواند تأثیر مستقیم بر بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد و همین موضوع باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاران نسبت به ادعاهای قراردادی می‌شود.

حسینی و همکارانش نیز (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا در قراردادهای EPC پروژه‌های زیرساختی ایران» به بررسی ترکیبی عوامل قراردادی، مدیریتی و مالی در ایجاد ادعا پرداختند. روش تحقیق این مطالعه مبتنی بر تحلیل داده‌های پروژه و مصاحبه با خبرگان صنعت ساخت بود. نتایج پژوهش نشان داد که تخصیص نامناسب ریسک، تغییرات طراحی و نوسانات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در این پروژه‌ها هستند.

۲.۶ پیشینه خارجی

در سال‌های اخیر موضوع مدیریت ادعا و دعاوی در پروژه‌های ساخت، به‌ویژه در قراردادهای EPC و پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، مورد توجه گسترده پژوهشگران حوزه مدیریت ساخت و مدیریت پروژه قرار گرفته است. افزایش پیچیدگی پروژه‌های زیرساختی، گسترش مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی و همچنین استفاده گسترده از قراردادهای EPC موجب شده است که ادعاهای قراردادی به یکی از چالش‌های اصلی مدیریت پروژه تبدیل شوند. در این بخش مهم‌ترین پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع ادعا در پروژه‌های ساختمانی و EPC بررسی می‌شود.

Love و همکارانش در (2020) در پژوهشی با عنوان «Drivers of claims and disputes in infrastructure projects» به بررسی عوامل ایجاد ادعا و اختلاف در پروژه‌های زیرساختی پرداختند. روش تحقیق این مطالعه مبتنی بر تحلیل داده‌های پروژه‌های زیرساختی در کشورهای مختلف بود. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ادعا شامل تغییرات طراحی، ضعف در مدیریت پروژه، ابهام در اسناد قراردادی و عدم قطعیت‌های محیطی است. نویسندگان نتیجه گرفتند که مدیریت صحیح ریسک در مراحل اولیه پروژه می‌تواند به شکل قابل توجهی از بروز ادعا جلوگیری کند.

و در همین سال ها Mansour و El-Sayegh در مقاله‌ای با عنوان «Risk assessment and allocation in EPC construction projects» به بررسی ریسک‌های پروژه‌های EPC در منطقه خاورمیانه پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل پرسشنامه و مدل‌های آماری نشان دادند که تخصیص نامناسب ریسک میان کارفرما و پیمانکار یکی از مهم‌ترین عوامل بروز ادعا در پروژه‌های EPC است. نتایج تحقیق نشان داد که ریسک‌های مرتبط با طراحی، شرایط سایت و تغییرات کارفرما بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری ادعا دارند.

Yescombe (2020) در پژوهشی درباره پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی نشان داد که تأخیر در اجرای پروژه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نرخ بازده داخلی سرمایه‌گذاری (IRR) داشته باشد. این موضوع موجب می‌شود که ادعاهای زمانی و مالی در چنین پروژه‌هایی اهمیت ویژه‌ای پیدا کنند.

Marzouk و Enaba (2020) در پژوهشی با عنوان «Framework for managing construction claims» چارچوب سیستماتیک برای مدیریت ادعا در پروژه‌های ساختمانی ارائه کردند. در این مطالعه از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره برای تحلیل ادعاها استفاده شد. نتایج نشان داد که ایجاد سیستم یکپارچه ثبت مستندات پروژه و تحلیل زمان‌بندی می‌تواند به طور قابل توجهی احتمال بروز اختلافات قراردادی را کاهش دهد.

Chou و Yang (2021) در مقاله‌ای با عنوان «Predicting construction claims using machine learning» به بررسی امکان پیش‌بینی ادعا در پروژه‌های ساختمانی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین پرداختند. داده‌های مربوط به پروژه‌های مختلف ساختمانی مورد تحلیل قرار گرفت و مدل‌های پیش‌بینی توسعه یافت. نتایج نشان داد که عواملی مانند تغییرات طراحی، تأخیر در تصمیم‌گیری کارفرما و مشکلات تأمین تجهیزات بیشترین نقش را در ایجاد ادعا دارند.

Gunduz و Elsherbeny (2021) در پژوهشی با عنوان «Causes of claims in construction projects: A quantitative analysis» به تحلیل علل ادعا در پروژه‌های ساختمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که ضعف در برنامه‌ریزی پروژه، ناهماهنگی میان طرفین قرارداد و تغییرات در دامنه کار از مهم‌ترین عوامل بروز ادعا هستند. نویسندگان تأکید کردند که ایجاد سازوکارهای مؤثر ارتباطی میان ذی‌نفعان پروژه می‌تواند از بسیاری از اختلافات جلوگیری کند.

Doloi (2021) در مقاله‌ای با عنوان «Cost overruns and claims in infrastructure projects» به بررسی ارتباط میان افزایش هزینه پروژه و ادعاهای قراردادی پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که بسیاری از ادعاهای مطرح شده در پروژه‌های زیرساختی ناشی از افزایش هزینه‌ها و برآوردهای غیرواقعی در مراحل اولیه پروژه هستند.

Carbonara و Pellegrino (2021) در مطالعه‌ای درباره پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) نشان دادند که ساختار مالی پروژه نقش مهمی در شکل‌گیری اختلافات قراردادی دارد. نتایج تحقیق نشان داد که عدم تعادل در تخصیص ریسک میان سرمایه‌گذاران و پیمانکاران می‌تواند موجب بروز ادعا شود.

Abotaleb و (2022) El-Adaway در پژوهشی با عنوان «Analyzing construction disputes in international projects» به بررسی اختلافات قراردادی در پروژه‌های بین‌المللی پرداختند. آن‌ها با تحلیل مجموعه‌ای از پرونده‌های داوری نشان دادند که عدم شفافیت در مفاد قرارداد و ضعف در مدیریت تغییرات پروژه از مهم‌ترین دلایل تبدیل ادعا به دعاوی حقوقی هستند.

Kim و (2022) Lee در مقاله‌ای با عنوان «Delay claims in EPC projects» به بررسی ادعاهای تأخیر در پروژه‌های EPC پرداختند. در این مطالعه، داده‌های پروژه‌های صنعتی و نیروگاهی تحلیل شد. نتایج نشان داد که تغییرات طراحی، تأخیر در تأمین تجهیزات و مشکلات تأمین مالی از مهم‌ترین عوامل ادعاهای زمانی هستند. Roumboutsos و (2022) Saussier در پژوهشی درباره پروژه‌های زیرساختی دارای تأمین مالی خصوصی به بررسی سازوکارهای مدیریت ریسک و اختلافات پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده از چارچوب‌های قراردادی استاندارد مانند FIDIC می‌تواند احتمال بروز دعاوی پیچیده را کاهش دهد.

Zaneldin (2022) در پژوهشی با عنوان «Contractual disputes in Middle East construction projects» به بررسی اختلافات قراردادی در پروژه‌های ساختمانی خاورمیانه پرداخت. نتایج نشان داد که ضعف در مدیریت قرارداد و عدم رعایت الزامات قراردادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد دعاوی در پروژه‌ها هستند.

Gunduz و (2023) Elsherbeny در مطالعه‌ای جدیدتر به بررسی ارتباط میان مدیریت ریسک و ادعاهای ساختمانی پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت مؤثر ریسک در مراحل ابتدایی پروژه می‌تواند احتمال بروز ادعا را به طور قابل توجهی کاهش دهد.

Li، Chen و (2023) Wang در مقاله‌ای با عنوان «Dispute prediction in construction projects» مدل تحلیلی برای پیش‌بینی اختلافات قراردادی ارائه کردند. نتایج تحقیق نشان داد که ترکیب داده‌های مدیریتی و قراردادی می‌تواند ابزار مؤثری برای پیش‌بینی اختلافات پروژه باشد.

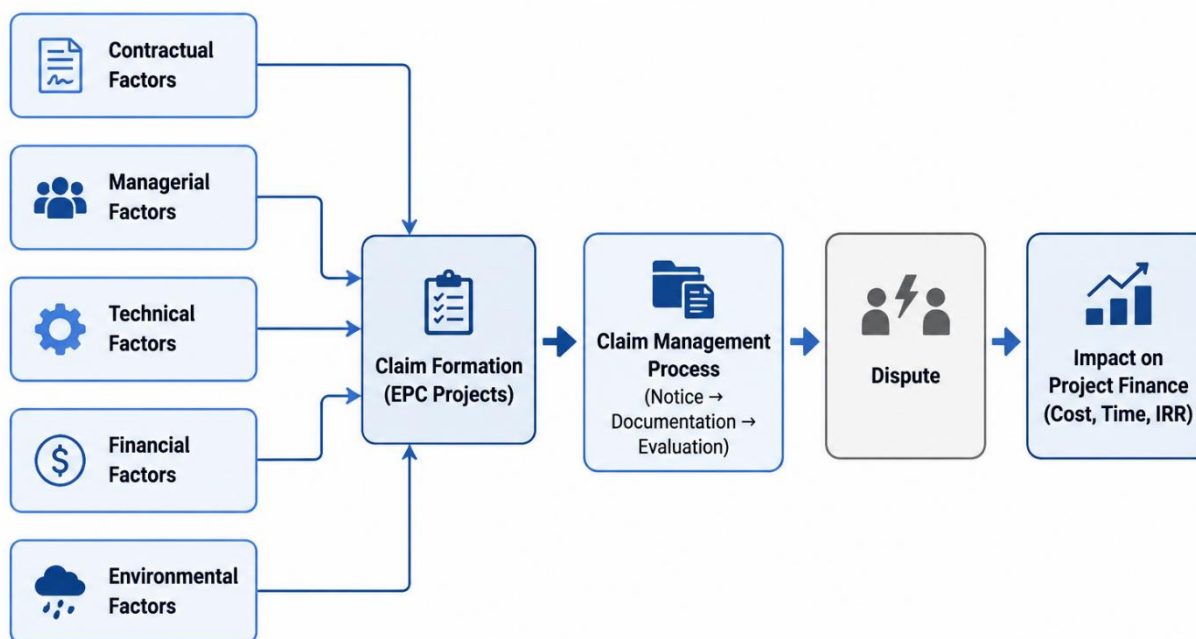
Park و (2023) Kim در پژوهشی به بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال در مدیریت ادعاهای پروژه پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده از سیستم‌های اطلاعات پروژه و مدل‌سازی اطلاعات ساختمان (BIM) می‌تواند فرآیند ثبت و مدیریت ادعا را بهبود دهد.

Li و Zou (2024) در مقاله‌ای به بررسی عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های زیرساختی بزرگ پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که پیچیدگی پروژه، تعداد زیاد ذی‌نفعان و عدم قطعیت‌های محیطی از مهم‌ترین عوامل بروز ادعا هستند.

Wang و Zhang (2024) در مطالعه‌ای با عنوان «Contract risk and claims in EPC projects» به بررسی ارتباط میان ریسک قراردادی و ادعا در پروژه‌های EPC پرداختند. نتایج نشان داد که تخصیص نامناسب ریسک در قراردادهای EPC می‌تواند احتمال بروز ادعا را افزایش دهد.

Al-Harbi، Alzahrani و Rahman (2024) در پژوهشی به بررسی ادعاهای پروژه‌های EPC در کشورهای خاورمیانه پرداختند. نتایج نشان داد که عوامل مالی، تغییرات طراحی و مشکلات تأمین تجهیزات از مهم‌ترین عوامل ادعا در این پروژه‌ها هستند.

تحلیل پیشینه‌ها نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت‌های علمی، هنوز خلأهای مهمی وجود دارد بطور مثال فقدان تمرکز منطقه‌ای بر ایران و همچنین عدم تأمین مالی خصوصی با EPC



شکل (۱-۲): مدل مفهومی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی (عاشقی، ۱۴۰۵)

مدل مفهومی حاضر بر پایه مرور ادبیات نظری و پیشینه پژوهش طراحی شده و نشان می‌دهد که شکل‌گیری ادعا در پروژه‌های EPC نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل قراردادی، مدیریتی، فنی، مالی و محیطی است. این عوامل در بستر اجرای پروژه می‌توانند منجر به بروز رویدادهای قراردادی شوند و در صورت عدم مدیریت مناسب، به ادعاهای رسمی و در نهایت به دعاوی قراردادی تبدیل گردند.

در این مدل، فرآیند از مرحله وقوع رویداد آغاز شده و پس از شناسایی، مستندسازی و اعلام اخطار، به شکل‌گیری ادعا منتهی می‌شود. اگر سازوکارهای حل و فصل اختلاف، مدیریت ادعا و حاکمیت قراردادی به‌درستی عمل نکنند، ادعا به دعوی تبدیل می‌شود. در پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی، این چرخه صرفاً یک مسئله حقوقی یا قراردادی نیست، بلکه آثار مستقیم مالی نیز دارد؛ به‌گونه‌ای که تأخیرها و افزایش هزینه‌ها می‌توانند جریان‌های نقدی پیش‌بینی‌شده را مختل کرده و نرخ بازده داخلی پروژه را کاهش دهند.

بنابراین، مدل مفهومی پژوهش حاضر، ادعا و دعاوی را به عنوان پدیده‌ای چندبعدی و وابسته به هم‌زمانی عوامل قراردادی، اجرایی و مالی تبیین می‌کند و مبنایی برای تحلیل اسنادی پروژه‌های EPC در ایران و خاورمیانه فراهم می‌آورد.

۲.۷ جداول مقایسه ای

جدول (۴-۲): جمع بندی پیشینه داخلی و خارجی

ردیف	نویسنده(گان)/سال	عنوان پژوهش	نتایج
۱	ابراهیمی و رضایی/۱۳۹۷	بررسی علل بروز ادعا در قراردادهای EPC در پروژه‌های عمرانی ایران	مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ادعا شامل ضعف در مستندسازی، ابهام در مفاد قراردادی، و تغییرات مکرر طراحی در حین اجرا است.
۲	کاظمی و صادقی/ ۱۳۹۷	تحلیل عوامل مؤثر بر دعاوی پیمانکاری در پروژه‌های EPC	یافته‌ها بیانگر آن بود که تأخیر در پرداخت‌ها، ضعف هماهنگی بین کارفرما و پیمانکار، و تغییرات ناشی از درخواست کارفرما از عوامل اصلی ایجاد دعاوی هستند.
۳	گلابچی و محسنی/ ۱۳۹۸	شناسایی ریسک‌های قراردادی در پروژه‌های EPC نفت و گاز	نتایج نشان داد که تخصیص نامناسب ریسک، ضعف در تنظیم شروط قراردادی و ناهماهنگی در تفسیر تعهدات طرفین، زمینه‌ساز بروز ادعا و اختلاف است
۴	حیدری و کریمی/ (۱۳۹۸)	بررسی عوامل مؤثر بر دعاوی قراردادی در پروژه‌های ساختمانی	ضعف در ارتباطات پروژه و عدم شفافیت در مفاد قرارداد

			از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلافات قراردادی هستند.
۵	بهرامی و صادقی (۱۳۹۹)	مدیریت ریسک در پروژه‌های EPC ایران	ریسک‌های مرتبط با طراحی، تأمین تجهیزات و تغییرات مقررات بیشترین تأثیر را بر بروز ادعا دارند
۶	قاسمی و موسوی (۱۳۹۹)	تحلیل علل ادعا در قراردادهای EPC در صنعت نفت و گاز ایران	تغییرات طراحی، مشکلات تأمین تجهیزات و نوسانات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های EPC هستند.
۷	مرادی و اسدی (۱۳۹۹)	تحلیل ریسک در قراردادهای EPC	انتقال بیش از حد ریسک به پیمانکار می‌تواند موجب افزایش ادعاهای قراردادی شود.
۸	احمدی و نادری (۱۴۰۰)	مدیریت ادعا در پروژه‌های عمرانی ایران»	فقدان سیستم‌های مستندسازی مناسب در پروژه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تبدیل ادعا به دعاوی حقوقی است.

۹	محمدی و یوسفی (۱۴۰۰)	با عنوان «مدیریت اختلافات در پروژه‌های EPC»	استفاده از سازوکارهای حل اختلاف چندمرحله‌ای مانند مذاکره، داوری و هیئت حل اختلاف می‌تواند از طولانی شدن دعاوی جلوگیری کند
۱۰	سلطانی و رضوی (۱۴۰۱)	«مدیریت تغییرات در پروژه‌های عمرانی و تأثیر آن بر ادعاهای قراردادی	عدم ثبت رسمی تغییرات و نبود فرآیند مشخص برای مدیریت تغییرات از عوامل مهم بروز ادعا هستند.
۱۱	رضایی و طاهری (۱۴۰۱)	مطالعه تطبیقی دعاوی قراردادی در پروژه‌های EPC با تأمین مالی خصوصی	نوسانات نرخ ارز، تورم و افزایش قیمت مصالح از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های ایران هستند.
۱۲	نیکزاد و همکارانش (۱۴۰۱)	تحلیل عوامل ایجاد ادعا در قراردادهای EPC پروژه‌های نفت و گاز ایران	تغییرات طراحی، تأخیر در تأمین تجهیزات و ضعف در مدیریت قرارداد مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های EPC هستند.
۱۳	یعقوبی و زمانی (۱۴۰۲)	«تحلیل اختلافات قراردادی در پروژه‌های زیرساختی ایران	ضعف در مدیریت قرارداد و تفسیرهای متفاوت از مفاد قرارداد از مهم‌ترین عوامل بروز دعاوی هستند.

۱۴	جعفری و همکاران (۱۴۰۲)	«تحلیل اختلافات قراردادی در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی می‌تواند تأثیر مستقیم بر بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد و همین موضوع باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاران نسبت به ادعاهای قراردادی می‌شود
۱۵	حسینی و همکارانش (۱۴۰۳)	تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا در قراردادهای EPC پروژه‌های زیرساختی ایران تخصیص نامناسب ریسک، تغییرات طراحی و نوسانات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ادعا در این پروژه‌ها هستند
۱۶	Love و همکارانش (2020) در	«Drivers of claims and disputes in infrastructure projects» مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ادعا شامل تغییرات طراحی، ضعف در مدیریت پروژه، ابهام در اسناد قراردادی و عدم قطعیت‌های محیطی است. مدیریت صحیح ریسک در مراحل اولیه پروژه می‌تواند به شکل قابل توجهی از بروز ادعا جلوگیری کند

۱۷	Mansour و El-Sayegh (2020)	«Risk assessment and allocation in EPC construction projects»	ریسک‌های مرتبط با طراحی، شرایط سایت و تغییرات کارفرما بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری ادعا دارند.
۱۸	Yescombe (2020)	پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی	تأخیر در اجرای پروژه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نرخ بازده داخلی سرمایه‌گذاری (IRR) داشته باشد. این موضوع موجب می‌شود که ادعاهای زمانی و مالی در چنین پروژه‌هایی اهمیت ویژه‌ای پیدا کنند
۱۹	Enaba (2020)	Framework for managing construction claims	ایجاد سیستم یکپارچه ثبت مستندات پروژه و تحلیل زمان‌بندی می‌تواند به طور قابل توجهی احتمال بروز اختلافات قراردادی را کاهش دهد
۲۰	Yang (2021) و Chou	Predicting construction claims using machine learning	عواملی مانند تغییرات طراحی، تأخیر در تصمیم‌گیری کارفرما و مشکلات تأمین تجهیزات بیشترین نقش را در ایجاد ادعا دارند

۲۱	Gunduz و (2021) Elsherbeny	Causes of claims in construction projects: A quantitative analysis	ضعف در برنامه‌ریزی پروژه، ناهماهنگی میان طرفین قرارداد و تغییرات در دامنه کار از مهم‌ترین عوامل بروز ادعا هستند
۲۲	Doloi (2021)	Cost overruns and claims in infrastructure projects	بسیاری از ادعاهای مطرح شده در پروژه‌های زیرساختی ناشی از افزایش هزینه‌ها و برآوردهای غیرواقعی در مراحل اولیه پروژه هستند.
۲۳	Carbonara و Pellegrino (2021)	پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی (PPP)	که عدم تعادل در تخصیص ریسک میان سرمایه‌گذاران و پیمانکاران می‌تواند موجب بروز ادعا شود
۲۴	Abotaleb و El-Adaway (2022)	Analyzing construction disputes in international projects	عدم شفافیت در مفاد قرارداد و ضعف در مدیریت تغییرات پروژه از مهم‌ترین دلایل تبدیل ادعا به دعاوی حقوقی هستند

۲۵	Lee (2022)	Delay claims in EPC projects	نشان داد که تغییرات طراحی، تأخیر در تأمین تجهیزات و مشکلات تأمین مالی از مهم‌ترین عوامل ادعاهای زمانی هستند.
۲۶	Saussier و Roumboutsos (2022)	پروژه‌های زیرساختی دارای تأمین مالی خصوصی	نتایج نشان داد که استفاده از چارچوب‌های قراردادی استاندارد مانند FIDIC می‌تواند احتمال بروز دعاوی پیچیده را کاهش دهد.
۲۷	Zaneldin (2022)	Contractual disputes in Middle East construction projects	ضعف در مدیریت قرارداد و عدم رعایت الزامات قراردادی از مهم‌ترین عوامل ایجاد دعاوی در پروژه‌ها هستند
۲۸	Elsherbeny و Gunduz (2023)	به بررسی ارتباط میان مدیریت ریسک و ادعاهای ساختمانی	مدیریت مؤثر ریسک در مراحل ابتدایی پروژه می‌تواند احتمال بروز ادعا را به طور قابل توجهی کاهش دهد.

۲۹	Wang (2023) و Li، Chen	Dispute prediction in construction projects	ترکیب داده‌های مدیریتی و قراردادی می‌تواند ابزار مؤثری برای پیش‌بینی اختلافات پروژه باشد
۳۰	Kim (2023) و Park	بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال در مدیریت ادعاهای پروژه	استفاده از سیستم‌های اطلاعات پروژه و مدل‌سازی اطلاعات ساختمان (BIM) می‌تواند فرآیند ثبت و مدیریت ادعا را بهبود دهد
۳۱	Zou (2024) و Li	بررسی عوامل ایجاد ادعا در پروژه‌های زیرساختی بزرگ	پیچیدگی پروژه، تعداد زیاد ذی‌نفعان و عدم قطعیت‌های محیطی از مهم‌ترین عوامل بروز ادعا هستند.
۳۲	Zhang (2024) و Wang	Contract risk and claims in EPC projects	تخصیص نامناسب ریسک در قراردادهای EPC می‌تواند احتمال بروز ادعا را افزایش دهد.
۳۳	Alzahrani، Al-Harbi و Rahman (2024)	بررسی ادعاهای پروژه‌های EPC در کشورهای خاورمیانه	عوامل مالی، تغییرات طراحی و مشکلات تأمین تجهیزات از مهم‌ترین عوامل ادعا در این پروژه‌ها هستند

جدول (۲-۵): مقایسه رویکردهای پیشینه داخلی و خارجی

شاخص مقایسه	مطالعات خارجی	مطالعات داخلی	وضعیت پژوهش حاضر
تمرکز بر EPC	زیاد	متوسط	تمرکز اصلی
تمرکز بر Project Finance	محدود ولی روبه رشد	بسیار محدود	محور اصلی
تحلیل اسنادی واقعی پروژه	کم	بسیار کم	روش اصلی
تحلیل مالی IRR، جریان نقدی	محدود	تقریباً وجود ندارد	جز کلیدی مدل
تمرکز منطقه‌ای ایران	ندارد	دارد	ایران + خاورمیانه
ارائه مدل تلفیقی EPC + تأمین مالی	بصورت یکپارچه وجود ندارد	وجود ندارد	نوآوری پژوهش

جدول (۲-۶): مقایسه عوامل شناسایی شده

دسته عوامل	فراوانی مطالعات خارجی	فراوانی مطالعات داخلی	خلا موجود
تغییرات طراحی	بسیار بالا	بالا	-
تخصیص ریسک	بالا	متوسط	نیاز به تحلیل مالی
تأخیر زمانی	بسیار بالا	بالا	ارتباط با IRR بررسی نشده
عوامل مالی (نرخ ارز، تورم)	متوسط	بالا	پیوند با ساختار تأمین مالی کم
مدیریت قرارداد	بالا	متوسط	تحلیل ساختاری ضعیف
ساختار تأمین مالی خصوصی	محدود	بسیار محدود	خلا اصلی پژوهش

۲.۸. خلاصه و جمع بندی

مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان داد که ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC پدیده‌ای تک‌علتی و صرفاً حقوقی نیست، بلکه نتیجه تعامل ساختاری میان مفاد قراردادی، نحوه تخصیص ریسک، کیفیت مدیریت پروژه و شرایط محیطی است. نظریه‌های تخصیص ریسک، اقتصاد هزینه مبادله و پیچیدگی پروژه همگی بر این نکته تأکید دارند که در پروژه‌های بزرگ و پیچیده، بروز عدم قطعیت امری اجتناب‌ناپذیر است؛ آنچه اهمیت دارد نحوه مدیریت آن است.

مطالعات بین‌المللی عمدتاً بر عواملی همچون تغییرات طراحی، تأخیرها، ضعف مستندسازی و تفسیر متفاوت مفاد قرارداد تأکید داشته‌اند. در مقابل، در مطالعات داخلی علاوه بر این عوامل، متغیرهای اقتصادی نظیر نوسانات نرخ ارز، تورم و بی‌ثباتی مقررات نقش برجسته‌تری دارند. این تفاوت نشان می‌دهد که زمینه نهادی و اقتصادی ایران و برخی کشورهای خاورمیانه، الگوی شکل‌گیری ادعا را نسبت به الگوهای کلاسیک بین‌المللی متمایز می‌کند.

با این حال، خلأ اصلی ادبیات در این است که اغلب پژوهش‌ها ادعا را در چارچوب پروژه‌های سنتی بررسی کرده‌اند و کمتر به پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی پرداخته‌اند؛ در حالی که در این نوع پروژه‌ها، پیامدهای ادعا صرفاً به تمدید زمان یا افزایش هزینه محدود نمی‌شود، بلکه مستقیماً بر ساختار مالی پروژه، جریان‌های نقدی و نرخ بازده سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد. از این منظر، ادعا در پروژه‌های EPC دارای تأمین مالی خصوصی، نه فقط یک مسئله قراردادی، بلکه یک مسئله سرمایه‌گذاری و اقتصادی نیز محسوب می‌شود.

بر این اساس، مدل مفهومی ارائه‌شده در این فصل تلاش کرده است با تلفیق پنج دسته عامل اصلی (قراردادی، مدیریتی، فنی، مالی و محیطی)، فرآیند تبدیل رویداد به ادعا و سپس دعوی را در بستر پروژه‌های دارای ساختار مالی خصوصی تبیین کند. در این چارچوب، شدت اثرگذاری ادعاها تابعی از حساسیت مالی پروژه است؛ به گونه‌ای که هرچه وابستگی پروژه به بازپرداخت بدهی و جریان نقدی آتی بیشتر باشد، پیامدهای دعاوی نیز عمیق‌تر خواهد بود.

در مجموع می‌توان گفت که اگرچه ادبیات موجود مبانی ارزشمندی برای شناخت علل ادعا فراهم کرده است، اما تحلیل یکپارچه ادعا در قراردادهای EPC همراه با بررسی آثار مالی آن در بستر ایران و خاورمیانه همچنان نیازمند پژوهش‌های تجربی عمیق‌تر است. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل اسنادی پروژه‌های واقعی، درصدد است این

خلاً را پوشش داده و چارچوبی بومی و کاربردی برای مدیریت ادعا در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی ارائه کند. فصل سوم به تشریح روش‌شناسی پژوهش، نحوه انتخاب پروژه‌های مورد مطالعه، ابزار گردآوری داده‌ها و روش تحلیل اسناد خواهد پرداخت.